اقتصاددانان و فعالان مدنی در «کنفرانس سازمان‌های مردم نهاد و کار داوطلبانه در ایران» از لزوم مشارکت مردم در فعالیت های خیرخواهانه گفتند

نیاز حیرت‌آور ایران به فعالیت‌های داوطلبانه

رئیس سازمان جوانان هلال احمر: انسجام اجتماعی در فعالیت های داوطلبانه پایین است

فرشاد مومنی، عضو هیات علمی گروه اقتصاد دانشگاه علامه طباطبایی: در کشور ما به طرز فاجعه آمیزی، تجربه همکاری جمعی ضعیف است

عکس: شهروند

شهروند| امروز، چهاردهم آذر روز داوطلب است و به همین مناسبت هم روز گذشته تالار گنجینه ساختمان آرشیو ملی با آن صندلی‌ها قهوه‌ای که با سنی به رنگ چوب هماهنگ شده، برگزاری کنفرانس سازمان‌های مردم‌نهاد و کار داوطلبانه در ایران را به خود دید. آراسب احمدیان، مدیرعامل موسسه خیریه محک، دبیر همایش بود و دیروز در مقدمه‌ای کوتاه، درباره شکل‌گیری این کنفرانس توضیح‌هایی داد: «صاحبنظران می‌دانند که ۲۰سال است موضوعی با عنوان منابع انسانی در حال تدریس است؛ در حالی که من هیچ‌وقت ندیدم که در کنار موضوع منابع انسانی، به منابع انسانی داوطلب اشاره شود. همیشه منابع انسانی در ازای انجام کار، مورد توجه قرار می‌گیرند؛ در حالی که در تعاریف سازمان ملل دو قید کار داوطلبانه‌بودن پرداخت‌وبدون اجبار، برای منابع انسانی در نظر گرفته می‌شود.» صحبت‌های احمدیان که تمام شد، فیروزه صابر، مدیرعامل شبکه ملی موسسات نیکوکاری و خیریه پشت تریبون رفت، میکروفن را پایین‌تر آورد و ادامه داد: «این شبکه تیر ماه سال ۹۲ شکل گرفت، سه سال به صورت غیر رسمی فعالیت می‌کرد و از اردیبهشت سال ۹۵، به طور رسمی فعال شد، این شبکه ۱۳۰ عضو دارد و هدف اصلیش کمک به توانمندی اعضا و ایجاد همگرایی میان خیریه‌ها و همچنین کمک به تحکیم موقعیت سازمان‌های مردم‌نهاد در ایران است.»

در کشور تجربه همکاری جمعی ضعیف است

اولین سخنران رسمی این کنفرانس، با عنوان زمینه‌ها و تأثیرات اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی کار داوطلبانه در ایران را فرشاد مومنی، عضو هیأت‌علمی گروه اقتصاد دانشگاه علامه طباطبایی شروع کرد: «در طول تاریخ بشر، با همه پیچیدگی‌های مفهومی که با آن مواجه بودیم، دو سازوکار بیش از همه مورد توجه بوده، یکی بازار و دیگری فرمان یا دولت است. در تمام طول تاریخ هم این دو سازوکار با هم در رقابت بودند تا ببینند کدام یک صلاحیت بیشتر و توانایی بالاتری دارد. به هر حال یک جمع‌بندی وجود دارد و آن این است که بشر ناگزیر است، به یکی از این دو سازوکار اتکا کند؛ اما در تعاریف آمده که نمی‌توان به اعتبار شکست بازار یا دولت، آنها را رها کرد، تنها راه آن هم تقویت نهادهای مدنی است؛ یعنی اگر مانهادمدنی قدرتمندی داشته‌باشیم، می‌تواند دولت و بازار را زیر ذره‌بین برد و درماندگی آنها را به حداقل رساند. می‌شود امید داشت که ماجرای توسعه به شکل قابل قبولی جلو رود.» اما اینها تنها بحث‌های مورد توجه مومنی نبود، او به تحولاتی که از اوایل دهه ۱۹۸۰ در جوامع ایجاد شد هم گذری زد. به گفته او از آن زمان جوامع شاهد رشد یک پدیده جدید به نام بخش غیرانتفاعی بودند که البته منحصر به کشورهای صنعتی بود: «مضمون این بخش کار داوطلبانه است، فعالیت‌های مسئولانه مشخص که تنها تفاوتش با کار اقتصادی، تعلق نگرفتن درآمد بود، اما این باعث نمی‌شد که بدون مسئولیت انجام شود. ایجاد این پدیده به انقلاب دانایی گره می‌خورد، یکی از ویژگی‌های انقلاب دانایی اشتغال‌زدایی آن است که اتفاقی بی‌سابقه در طول تاریخ به شمار می‌رود، در این اتفاق کار به معنای شغل، کمترین اهمیت را پیدا می‌کند و احساس عزت نفس، تعلق به محیط و احساس مفیدبودن، پیشگیری از سرخوردگی‌های روحی و جسمی از پیامدهای آن است. ماجرای فعالیت‌های داوطلبانه در کشورهای صنعتی، ماجرای واکنش خردمندانه و اعتلابخش به خصلت اشتغال‌زدایی است.» مومنی در همین جا به روند توجه به فعالیت داوطلبانه در ایران اشاره کرد: «کار داوطلبانه در ایران هم به‌اعتبار خصلت توسعه‌نیافتن کشور و رانتی‌بودن اقتصاد سیاسی ایران، ماجرای خودش را دارد، بخش اعظم کار داوطلبانه در ایران، به عنوان یک نیاز حیاتی مطرح است و با آنچه در کشورهای صنعتی دنبال می‌شود، فاصله زیادی دارد. براساس ارزیابی‌های موجود، ما بیشترین ضربه را از ضعف حس ملی خورده‌ایم، این یک پدیده عجیبی است که واکاوی نشده.» عضو هیأت علمی گروه اقتصاد دانشگاه علامه‌طباطبایی معتقد است که رانتی‌بودن اقتصاد سیاسی ایران حس ملی را در کشور تضعیف می‌کند، هیچ جامعه‌ای از این طریق توسعه پیدا نکرده است: «در کشور ما به طرز فاجعه‌آمیزی تجربه همکاری جمعی ضعیف است، نمونه آن را در بنگاه‌های اقتصادی می‌بینیم، در ایران بیش از ۹۰درصد این بنگاه‌ها یک‌نفره است؛ به هر حال مناسبت‌های رانتی، فرهنگ رانتی خودش را هم ایجاب می‌کند. در دانش توسعه گفته می‌شود دو تنگنای حیاتی و سرنوشت‌ساز وجود دارد که قابل مقایسه با تنگناهای دیگر نیستند، یکی دانش ضمنی و دیگری ظرفیت‌های سازمانی. ظرفیت‌های سازمانی از دل شیوه‌های همکارانه انباشته‌می‌شود. سازمان‌های فرهنگی‌واجتماعی‌می‌توانند با پر کردن این خلأ بزرگ، بخشی از بار سنگین را به دوش بکشند؛ چون هزینه فرصت فعالیت در این حوزه‌ها کمتر از فعالیت در حوزه‌های سیاسی است.» نیاز به فعالیت‌های داوطلبانه، در کشور به وضع اضطرار رسیده است. مومنی با اشاره به این موضوع ادامه حرف‌هایش را گرفت: «نیاز ما به فعالیت‌های داوطلبانه به طرز حیرت‌آوری بالا رفته است، یکی از دلایل آن این است که دولت از مسئولیت‌های حاکمیتی‌اش طفره می‌رود.» این کارشناس اقتصادی، حرف‌های خود را به شاخص‌های کشور در زمینه سلامت و آموزش مستند کرد: «ما شاخصی به اسم سهم بودجه آموزش و پرورش نسبت به تولید ناخالص داخلی داریم؛ یعنی میزان تعهد دولت به مسئولیت‌هایش در حیطه آموزش و پرورش. این شاخص در استاندارد میانگین جهانی در سال ۲۰۱۱، ۴,۴درصد بوده است، البته این را هم باید اضافه کرد که میانگین جهانی هیچ‌وقت شاخص ایده‌آلی نیست و از میان بیش از ۲۰۰ کشور برآورد می‌شود که ۱۷۰ تا ۱۸۰ کشور شرایطی مانند کشور ما و یا حتی بدتر دارند، اما این شاخص برای ایران چقدر است؟ ۳,۲درصد. در حالی که میانگین این شاخص در کشورهای با درآمد اندک ۴,۱درصد است؛ یعنی ما با کشورهای با درآمد اندک هم فاصله زیادی داریم. چرا سال ۲۰۱۱ را در نظر گرفتم؟ چون در آن سال ما هر بشکه نفت را ۱۰۰ دلار می‌فروختیم؛ یعنی به قیمت بالایی. بنابراین کم‌درآمدی توضیحی برای این پدیده نیست. در شاخص دیگر هم که در حوزه سلامت است، اعداد نشان می‌دهد که اوضاع ما در زمینه سلامت از آموزش و پرورش هم بدتر است.» او ادامه داد: «در سال ۲۰۱۴، میانگین شاخص سلامت نسبت به تولید ناخالص داخلی، ۶درصد است، در کشورهای با درآمد اندک، ۲,۴درصد و در ایران ۲,۸درصد است؛ یعنی شاخص ما کمتر از نصف جهانی است.» همین هم شد تا مومنی اعلام کند که در ایران نیاز به جنبش همگانی برای توانمندی ایرانیان وجود دارد: «نیاز ما به انجام فعالیت‌های داوطلبانه در زمینه‌های تغذیه و آموزش و سلامت به وضع اضطرار رسیده‌است.»

فعالیت‌های داوطلبانه در ایران بشدت ضعیف است

عقربه‌های ساعت به ۱۰ صبح نزدیک می‌شود و با ورود میهمانان و تعدادی از سخنران‌ها، صندلی‌هایی که از زمان شروع کنفرانس، خالی بود، پر می‌شود. سالن اما کوچک است و تا ساعت ۱۲ دیگر جای خالی روی صندلی‌های قهوه‌ای خالدار پیدا نمی‌شود. دو ساعت پیش از ظهر سیزدهم آذر، با اضافه‌شدن سه صندلی بر روی سن، اولین پنل با موضوع زمینه‌ها و تأثیرات اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی کار داوطلبان در ایران شروع می‌شود. پیمان مغازه مدیرعامل موسسه رحمان، علینقی مشایخی استاد دانشکده مدیریت و اقتصاد دانشگاه صنعتی شریف و سارا شریعتی استاد دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران سخنران‌های پنل هستند. پیمان مغازه گفت که سارا شریعتی سال‌ها در فرانسه تحصیل کرده و سارا شریعتی با لهجه غلیظی که بر گفته‌های مغازه صحه گذاشت، سخنرانی پنل را پرحرارت شروع کرد و به برخی از گفته‌های فرشاد مومنی ایراد گرفت. هر چند که مومنی پس از پایان سخنرانی سالن را ترک کرد و نقدها را نشنید: «فعالیت داوطلبانه به‌عنوان یک ضرورت مدنی مطرح می‌شود، می‌گویند ما فرهنگ کار جمعی نداریم، فرهنگ مشارکت نداریم، در بحث آقای مومنی، خلق‌وخو به مسائل اجتماعی ربط داده شد، من نمی‌خواهم به این مسأله وارد شوم، اما می‌گویم که مهمترین مانع برای فعالیت‌های اجتماعی ما استبداد تاریخی و سیاسی است که به ما اجازه فعالیت‌های مشارکتی نمی‌دهد. ما نمی‌توانیم بدون توجه به عوامل سیاسی، موضوعات را مطرح کنیم.» شریعتی گفت که می‌خواهد از کار داوطلبانه به‌عنوان یک موضوع مستقل دفاع کند، با این توضیح که: «مدرنیته سیاسی یعنی تقویت جامعه مدنی در برابر قدرت سیاسی. جامعه قوی می‌تواند نقش ضد قدرت را در برابر قدرت سیاسی ایفا کند. نباید نقش قربانی را ایفا کند. حالا چرا خودش را قربانی می‌داند؟ چون جامعه ما ضعیف است، حوزه فعالیت‌های داوطلبانه در ایران بشدت ضعیف است، یکی از دلایلش این است که تمام جریانات سیاسی کشورهای دیگر وارد کشور ما شد، جز جریانات اجتماعی. امر اجتماعی در جامعه ما هنوز متولد نشده است.» این جامعه‌شناس به تفاوت در نگاه به موضوع فعالیت‌های خیرخواهانه و نیکوکارانه اشاره کرد، این که قبلا اعلام می‌شد کار خیر، خودش شکاف و نابرابری اجتماعی ایجاد می‌کند؛ یعنی از ثروتمند می‌خواهد که سخاوتمند مستمر باشد و از فقیر می‌خواهد که صبور باشد، حالا ولی از فعالیت‌های نیکوکارانه دفاع می‌شود، چرا؟: «به‌نظر می‌رسد کار خیر و نیکوکاری، تغییر نقش و کارکرد داده است، الان تعریف کار خیرخواهانه این نیست که پول توزیع شود، بلکه اشکال غیرمادی آن مطرح است، مثل نذر کتاب، دارو و... یعنی از شکل سنتی آن خارج شده‌است، هم‌اکنون نیروهای بیشتری به‌سمت کارهای اجتماعی‌ونیکوکارانه آمده‌اند.» او در توضیح بیشتر گفت: «کار خیر و نیکوکارانه، امروزه، دیگر صرفا جنبه اقتصادی ندارد، آنچه ما از آن دفاع می‌کنیم از بخش غیراقتصادی فعالیت داوطلبانه است، این بخش برای افرادی است که فرصت ورود به جامعه را نداشته‌اند، مثل برخی از زنان.» به گفته شریعتی، امر خیر و نیکوکارانه فرهنگ نوعدوستی را در مقابل فرهنگ خودخواهانه قرار می‌دهد، کار داوطلبانه باعث می‌شود تا مواجهه مستقیمی با اجتماع ایجاد شود، هسته اولیه بسیاری از جنبش‌های اجتماعی و حتی سیاسی از یک فعالیت خیرخواهانه شروع شده‌است.

مسائل اجتماعی و نابرابر مسأله امروز کشورهای جهان سوم است

پیوند حوزه اجتماع و اخلاق نکته دیگری است که این جامعه‌شناس به آن اشاره کرد. بر اساس اعلام او، جامعه ضعیف، اخلاقیات ضعیفی هم دارد: «امروز مسأله کشورهای جهان سوم، بیشتر از هر زمان دیگری مسائل اجتماعی و نابرابری‌هاست، مسائل اجتماعی نیاز به پاسخ اجتماعی دارد نه سیاسی. باید نیروهای میانجی میان قدرت سیاسی و جامعه مدنی ایجاد کرد. این نیروها از طریق فعالیت‌های نیکوکارانه و اجتماعی «ان‌جی‌او»های مردم‌نهاد می‌توانند شکل‌بگیرند.»

فعالیت‌های داوطلبانه منجر به تقویت پیوندهای اجتماعی می‌شود

سخنرانی سارا شریعتی اما بیش از همه مشایخی، استاد اقتصاد، را که سخنران بعدی بود، به یاد علی شریعتی انداخت و همین هم شد تا با بغض فرو خورده‌ای سخنرانی‌اش را شروع کند: «یک وقت می‌بینیم که افراد کار می‌کنند برای کسب درآمد، یک وقت برای منافع اقتصادی، برای کسب امنیت و داشتن سرپناه و گاهی هم فعالیت می‌کنند برای این که مقبولیت اجتماعی پیدا کنند، به آنها احترام بگذارند، ارزش‌های درونی‌شان ارضا شود و به معنویت برسند. در سطح فردی، کار داوطلبانه می‌تواند به توسعه انسانی کمک کند، برای توسعه جامعه به افراد توسعه‌یافته نیاز است، «ان‌جی‌او»ها و سمن‌ها این بستر رشد را برای افراد فراهم می‌کنند.»

جنس منفعت‌طلبی در میان داوطلبان متفاوت است

پنل دوم با یک استراحت ۳۰ دقیقه‌ای شروع شد، سخنران‌های قبلی سالن را ترک کرده بودند. رضا درمان مدیرعامل جامعه یاوری فرهنگی، بهزاد ابوالعلایی عضو هیأت‌علمی سازمان مدیریت صنعتی، زهرا رحیمی مدیرعامل جمعیت امداد دانشجویی جمعیت امام علی روی صندلی‌های سن قرار گرفتند. موضوع دومین پنل، موانع و راهکارهای مدیریت کار داوطلبانه در سازمان‌های مردم‌نهاد بود. شروع کننده ابوالعلایی بود با طرح این سوال که امروزه چگونه می‌توانیم از مدیریت سازمان‌های کسب‌وکار در اداره سازمان‌های مردم‌نهاد استفاده کنیم؟ «مدیریت، یعنی توانایی یا هنر تبدیل کردن منابع به مطلوبیت. گاهی منابع پول است و گاهی سیستم یا منابع انسانی. هنر مدیران این است که از این نیروها به بهترین شکل استفاده کنند.» او خطاب به سازمان‌های مردم‌نهاد که از نیروهای داوطلب استفاده می‌کنند، ایده‌هایی را مطرح کرد که می‌تواند منجر به ماندگاری نیروهای داوطلب شود: «ما در کسب‌وکار تئوری مبادله را داریم؛ یعنی همه دنبال منافع خودشان هستند، بنابراین نباید تصور کرد افرادی که وارد کار داوطلبانه می‌شوند، دنبال این موضوع نیستند، اما جنس این منفعت با کارهای درآمدزا متفاوت است، باید به این موضوع توجه کرد که نیاز داوطلبان چیست، اگر نیاز آنها را ندانیم، نمی‌توانیم کار زیادی برایشان انجام دهیم، نباید تصور کرد افرادی که به سمت‌مان می‌آیند، انگیزه‌های بیرونی دارند و اگر خوب کار می‌کنند یعنی پتانسیل‌شان به بالاترین حد رسیده. ما باید آنها را درگیر سازمان کنیم، نباید به آنها گفت وقت نداریم، باید به آنها این حس را بدهیم که مهم هستند و بازخورد و نتیجه کارهایشان را نشان دهیم.»

در جامعه شاهد حرکت‌های احساسی و موج‌گونه هستیم

مدیریت فعالیت داوطلبان هم موضوع سخنرانی زهرا رحیمی بود، اما او ترجیح داد صحبت‌هایش را با پاسخ‌دادن به این سوال که «چرا باید در سازمان‌های مردمی از داوطلبان استفاده شود؟» شروع کرد: «شاید خیلی‌ها فکر کنند که استفاده از نیروهای داوطلب از نظر مالی، دغدغه کمتری دارد. خیلی از سازمان‌هایی که مدل مختلط دارند یعنی هم نیروی موظف و هم داوطلب دارند، می‌دانند که چالش با نیروی موظف کمتر از نیروی داوطلب است؛ بکارگیری نیروی داوطلب یکی از ماموریت‌های سازمان ماست، ما نیاز به آنها داریم، ما بدون نیروهای داوطلب نمی‌توانیم کاری انجام دهیم.» و ادامه داد: «چون ما جامعه بسیار پیچیده‌ای از نظر آسیب‌های اجتماعی داریم و یکی از دلایلی که اجازه پیشروی آسیب‌های اجتماعی را داده، حضور نداشتن مردم در مناسبت‌های اجتماعی است. بر این اساس یکی از مکانیزم‌های وارد کردن مردم در فعالیت‌های اجتماعی، حضور داوطلبانه آنها در سازمان‌های مردم‌نهاد است، چرا که این سازمان‌ها پتانسیل بالقوه افراد را بالفعل می‌کنند.» ضرورت حضور مردم در فعالیت‌های اجتماعی اما منجر نشد تا مدیرعامل جمعیت امداد دانشجویی امام علی، مشارکت‌های احساسی و مقطعی افراد در کارهای داوطلبانه را نقد نکند: «ما در جامعه شاهد حرکت‌های احساسی و موج‌گونه هستیم، اما زمانی که می‌خواهیم کار مستمر انجام دهیم، این احساس فروکش می‌کند. ما درباره مسئولیت اجتماعی افراد حرفی نمی‌زنیم و آموزشی نمی‌دهیم، هیچ‌وقت به ما نگفتند که به‌عنوان یک ایرانی وظیفه داریم که کار داوطلبانه انجام دهیم، به ما می‌گویند خدا خیرتان دهد، چه کار خوبی می‌کنید، اما ما می‌گوییم که وظیفه همه است، همه باید فعالیت اجتماعی داشته باشیم تا از سقوط اخلاق و اعتماد و ایجاد گسست اجتماعی جلوگیری کنیم. ورود افراد در سازمان‌های مردم‌نهاد یک الزام است.»

انسجام اجتماعی در فعالیت‌های داوطلبانه پایین است

پنل سوم با موضوع عوامل موثر بر ترویج فعالیت‌های داوطلبانه، با حضور مریم رسولیان، عضو هیأت‌مدیره مجتمع آموزشی رعد؛ نوش‌آفرین انصاری، عضو بازنشسته هیأت‌علمی دانشگاه تهران و عضو شورای کتاب کودک؛ مسعود حبیبی، رئیس سازمان جوانان هلال احمر و محمد نصیری، مدیرکل خیرین و موسسه‌های خیریه سلامت وزارت بهداشت برگزار شد. در بخش نخست پنل، شرکت‌کنندگان در کنفرانس از دغدغه‌هایشان گفتند و این که چطور می‌توان یک داوطلب را برای ادامه فعالیت در سازمان ترغیب و کاری کرد تا افراد، کار داوطلبانه را با کار دلبخواهی اشتباه نگیرند. مسعود حبیبی نخستین کسی بود که به این موضوع پاسخ داد. او گفت: «برای ترغیب افراد به انجام فعالیت داوطلبانه، ابتدا باید دید که انگیزه فعالیت‌های داوطلبانه چیست. یکی از آنها انگیزه‌های بشردوستانه است، یکی ارضای حس شخصی، دیگری انگیزه‌های شغلی یا اجتماعی یا حتی معنوی.» او اینها را گفت و در ادامه زلزله کرمانشاه را برای نمونه مثال زد، حادثه‌ای که باعث شد گروه‌های زیادی به صورت داوطلبانه وارد کار شوند: «همین نیروها را یک ماه دیگر، نمی‌شود برای کار در منطقه زلزله‌زده پیدا کرد. متاسفانه انسجام اجتماعی پایین است، سوال اینجاست که ما چه کاری باید انجام دهیم تا فعالیت‌های داوطلبانه استمرار داشته باشد؟» و در ادامه به همین سوال این‌طور پاسخ داد: «باید پوزیشن‌های لازم را برای فعالیت‌های داوطلبانه فراهم کنیم، باید توانایی جذب نیروی تازه را داشته باشیم، افراد را توانمند کنیم، از آنها حمایت کنیم، داوطلبان را تحت پوشش بیمه قرار دهیم، اگر خسارتی به آنها وارد شد، آن را جبران کنیم.» نوش‌آفرین انصاری، عضو بازنشسته هیأت‌علمی دانشگاه تهران و عضو شورای کتاب کودک، ادامه این حرف‌ها را گرفت و به نقش دولت در فعالیت‌های داوطلبانه اشاره کرد: «اولین تلاش باید این باشد که دولت برای کار سازمان‌های مردم‌نهاد ارزش قایل شود. خیلی خوب است اگر سازمان‌های مردم‌نهاد در درون دولت نقشی پیدا کنند. از سوی دیگر، دولت باید مشخص کند که از چه راه‌هایی می‌تواند جامعه را از ارزش کار داوطلبانه آگاه کند؟ چه برنامه‌هایی برای این بخش دارد؟» او هم به منسجم نبودن فعالیت داوطلبانه اشاره کرد: «حضور داوطلب فقط نباید در بحران باشد، در زندگی روزمره هم باید این افراد فعال باشند.»

محیط زیست

بدهی ۱۸۰۰میلیارد تومانی دولت به ستاد احیای دریاچه ارومیه
رئیس سازمان محیط‌زیست را بر آن داشت تا از راه دیگری سخن بگوید

استقراض برای نجات دریاچه

کلانتری: اگر سازمان برنامه و بودجه پول ندارد، دولت اجازه دهد از منابع خارجی وام بگیریم

شهروند| «دریاچه ارومیه با بودجه سنواتی احیا نمی‌شود، باید از خارج استقراض کنیم.» این گفته مدیر ستاد احیای دریاچه ارومیه در حالی است که رقم بدهی دولت به این ستاد کم نیست؛ ۱۸۰۰میلیارد تومان. بی‌آبی مدتی است دامن دومین دریاچه بزرگ داخلی ایران را گرفته است و بی‌پولی نمکی است روی این زخم. مسأله کمبود بودجه دریاچه ارومیه برای بازگشتن به زندگی دوباره، از مدت‌ها پیش مورد انتقاد دست‌اندرکاران نجات آن بود و حالا که عمق سطح آب دریاچه در ماه‌های اخیر کاهش داشته است، مشکلات مالی هم به جایی رسیده که پای قرض از منابع خارجی به میان آمده و البته دولت هنوز با آن موافقت نکرده است. احیای دریاچه ارومیه از ابتدا از وعده‌های دولت یازدهم و دوازدهم بود اما به نظر می‌آید این مسأله برای دستگاه‌های اجرایی چندان اولویت نداشته که پیگیر صاف کردن بدهی‌ها نبوده‌اند. درباره هزینه‌های مالی نجات دریاچه ارومیه بارها گوشزد شده است؛ نظیر این هشدار که «هر پروژه‌ای که عقب بیفتد، خسارت محیط‌زیستی به دنبال دارد».

مسأله دریافت وام در حالی مطرح شده است که دولت هنوز با این درخواست موافقت نکرده چون خودش باید بازپرداخت وام را بپردازد؛ نه مثل دست‌اندرکاران امور تولیدی و صنعتی که می‌توانند از خارج تقاضای وام کنند و بدهی را از محل کارکردشان پس بدهند.

پیش از این بنا بود که سالانه ۲هزار میلیارد به ستاد احیای دریاچه ارومیه کمک مالی شود اما این اتفاق چنان که باید نیفتاد و اگر بودجه‌ای هم تأمین شد، از رقم اصلی فاصله زیادی داشت. چنان که به گفته مسعود تجریشی، رئیس دفتر تلفیق این ستاد که با حفظ سمت، معاون محیط‌زیست انسانی سازمان حفاظت محیط‌زیست هم هست، در سال ۹۵ تنها ۸۰۰ میلیارد ابلاغ شد که از این مبلغ، تنها ۳۰۰ میلیارد پرداخت شد. این در حالی است که در سال ۹۶ هم از ۲هزار میلیارد مصوب، تنها ۲۰۰ میلیارد آن هم در فصل سرد سال ابلاغ شده که طبق گفته او «این مبلغ هم بدهی سال قبل دولت به ستاد است». بودجه احیای دریاچه ارومیه این‌طور که خود این ستاد گزارش کرده است از سه محل تأمین می‌شود؛ صندوق توسعه ملی، اعتبارات جاری دستگاه‌های اجرایی و اعتبارات احیای دریاچه ارومیه از منابع اعتبارات ستاد مدیریت بحران. با توجه به بدهی دولت به ستاد احیای دریاچه ارومیه، با این که مرداد امسال اولین بودجه سال ۹۶ دریاچه ارومیه پرداخت شد، می‌توان گفت دولت برای سال ۹۶ دولت هیچ اعتباری برای احیای دریاچه اختصاص نداده‌است.

در گزارش‌های ستاد احیای دریاچه ارومیه پیش از این عنوان شده بود که نخستین منبع جدید آب پیش‌بینی‌شده برای دریاچه ارومیه در سال جاری ۱۹۰ میلیون مترمکعب خارج از حوضه با سرمایه‌گذاری حدود ۴۳۰ میلیارد تومان از طریق رودخانه گدارچای منتقل خواهد شد. نمونه‌هایی از این دست باز هم گزارش شده، از جمله درباره طرح انتقال آب از سد سیلوه که در سال ۱۳۹۵ تکمیل و بنا شد که با آغاز آبگیری این سد، نخستین منبع آب جدید احیای دریاچه ارومیه در سال ۱۳۹۶ به این دریاچه سرازیر شود.

اجازه بدهید قرض کنیم

زخم چرکین دریاچه ارومیه دیروز سر باز کرد؛ وقتی مدیر ستاد احیای دریاچه ارومیه به احیانشدن آن با بودجه سنواتی اشاره کرد و استقراض از خارج را راهکار تأمین منابع مالی مورد نیاز این ستاد دانست: «اگر سازمان برنامه و بودجه پول ندارد، دولت اجازه دهد از منابع خارجی وام بگیریم.» تا کنون البته آنچه با عنوان کمک‌های بین‌المللی برای احیای دریاچه ارومیه از آن یاد می‌شود، بیشتر در حوزه دانش بوده است و اگر بتوان از رقمی هم یاد کرد، در مقابل آنچه تا کنون خرج دریاچه شده و برای ادامه حیات به آن نیاز است، اصلا به چشم نمی‌آید.

عیسی کلانتری، معاون رئیس‌جمهوری و رئیس سازمان محیط‌زیست که همزمان با حفظ سمت عهده‌دار مدیریت ستاد احیای دریاچه ارومیه هم هست، از دو مسأله اساسی نگین فیروزه‌ای نقشه ایران سخن گفت؛ یکی کمبود بودجه و دیگری کاهش بارندگی. او به ایسنا گفت: «کمبود بودجه و کاهش شدید بارندگی مهمترین مسائل دریاچه ارومیه هستند. دریاچه ارومیه در سال آبی ۹۶-۹۵ نسبت به یک سال قبل، ۳۸درصد و نسبت به میانگین بارش بلندمدت (۴۸ساله) حدود ۲۲درصد کم‌بارشی را تجربه کرد. امسال نیز با گذشت بیش از دو ماه از فصل پاییز هنوز بارش چندانی در این منطقه دریافت نشده و با این که بارش در این مقطع زمانی بسیار ناچیز بوده اما تبخیر به قوت خود باقی است و آب ورودی نیز وجود ندارد؛ بنابراین طبیعی است که در چنین شرایطی ارتفاع دریاچه ارومیه کاهش پیدا کند.»

او با تأکید بر این که اگر آب وارد دریاچه ارومیه نشود، دریاچه به شرایط بحرانی دوران قبل برمی‌گردد، یاد کرد از سال گذشته که حدود یک‌میلیون و ۱۵۰میلیون مترمکعب آب وارد دریاچه شد «که قطعا این میزان آب برای دریاچه کافی نیست» و توضیح داد: «اگر بخواهیم دریاچه ارومیه به روند عادی برگردد باید سالیانه ۳,۱میلیارد مترمکعب آب وارد آن کنیم.»

دولت یک ماه پیش بود که ۲۰۰میلیارد تومان به ستاد احیای دریاچه ارومیه پرداخت کرد؛ رقمی که البته از آن چیزی که باید به ستاد بپردازد، فرسخ‌ها دور است: «بودجه‌ای که باید به ستاد پرداخت شود، حدود ۱۸۰۰میلیارد تومان است». ۲۰۰میلیارد تومان پرداخت‌شده، براساس توضیح کلانتری برای پروژه‌های مختلفی مثل احداث تصفیه‌خانه فاضلاب، سردهنه‌سازی رودخانه‌ها و... هزینه می‌شود: «واقعیت این است که باید زمستان هر سال سردهنه‌ها را ببندیم و در فصل بهار باز کنیم و با توجه به تعداد ۵۰۰ تایی سردهنه‌ها در حوضه دریاچه، همین کار به مبلغی حدود ۴۰میلیارد تومان نیاز دارد که متاسفانه سال گذشته به دلیل محدودیت مالی نتوانستیم این کار را انجام دهیم و ۴۰۰میلیون متر مکعب آب را از دست دادیم؛ چون در این شرایط کشاورزان منطقه آب را به زمین خود انتقال دادند و به‌عنوان یخ‌آب از آن استفاده کردند.»

بودجه سنواتی دریاچه را زنده نمی‌کند

دریاچه ارومیه بناست تا ۱۰ سال دیگر نجات پیدا کند؛ البته بودجه‌ای که تاکنون ثابت‌نشده کشش کافی برای سرریز منابع آبی به دریاچه ارومیه و انجام پروژه‌های ۱۰ساله را داشته باشد. چنان که به گفته معاون رئیس‌جمهوری هم «در دو سال گذشته ثابت شده که با بودجه سنواتی نمی‌توان کارهای دریاچه ارومیه را پیش برد.» او در این‌باره به تفصیل گفت: «گروه تحقیقاتی دریاچه ارومیه در زمینه ارایه برنامه برای احیا عملکرد خوبی داشت و برنامه‌های کاملا اجرایی ارایه داد که اشتباهات برنامه‌ها در حین اجرا اصلاح می‌شود؛ چون برنامه، حالت دینامیک دارد اما با بودجه‌ای که سازمان برنامه و بودجه تخصیص می‌دهد، بعید است احیای دریاچه ارومیه صورت گیرد.»

ستاد احیای دریاچه ارومیه با مدیریت رئیس سازمان حفاظت محیط‌زیست به دلیل ناکافی‌بودن بودجه و ضرورت تأمین به‌موقع منابع مالی مورد نیاز دریاچه ارومیه، پیگیر شده تا «اگر سازمان برنامه و بودجه پول ندارد، دولت اجازه استقراض از خارج از کشور بدهد». معاون رئیس‌جمهوری ماجرای این قرض را این‌طور توضیح داده است: «یعنی پول مورد نیاز دریاچه را از خارجی‌ها به شکل وام با بهره حدود ۲,۵درصد بگیریم. این وام حدود ۵ یا ۶ سال دوره تنفس دارد و بعد از آن طی بازه زمانی ۱۰ ساله بازپرداخت‌می‌شود.»

پولی که دریاچه ارومیه به آن نیاز دارد دست‌کم حدود ۳ تا ۳,۵میلیارد دلار است و کلانتری در این شرایط به فکر افتاده تا رئیس‌جمهوری، معاون اول رئیس‌جمهوری و رئیس سازمان برنامه و بودجه را قانع کند که دریاچه ارومیه به‌قدری اهمیت دارد که اگر کشور در شرایط فعلی پول ندارد، برای احیای آن، وامی از خارج دریافت شود و دولت به‌تدریج طی ۱۰سال آن را پرداخت کند.

گروه نجات دریاچه البته هنوز نتوانسته دولت بدهکار را برای این وام قانع کند؛ چرا که این اجازه تنها «برای امور تولیدی و صنعتی است که توجیه اقتصادی دارد و بدهی را از محل کارکرد همان بخش پرداخت می‌کند» صادر می‌شود و این در حالی است که وام هر چه که باشد، بازپرداختش به عهده دولت خواهد بود.

رئیس سازمان محیط‌زیست که خود زمانی طولانی وزیر کشاورزی بوده و اتفاقا سیاست‌های غلطی که او به آن اعتراف کرده در وضع کنونی دریاچه ارومیه بی‌تأثیر نبوده است، از زمانی که بر صندلی ریاست سازمان محیط‌زیست نشسته بیش از گذشته از رنج بی‌آبی ایران می‌گوید و هشدار می‌دهد که همه دستگاه‌ها برای حل مسأله کاری کنند. او حالا به‌عنوان دبیر ستاد احیای دریاچه ارومیه که پیگیر نخستین وعده محیط‌زیستی دولت است، می‌خواهد تلاشش را برای نشان‌دادن اهمیت دریاچه ارومیه بیشتر کند و از همین راه دولت را برای گرفتن وام از منابع خارجی قانع کند؛ چرا که «خشکی دریاچه ارومیه خسارت‌های بسیار بیشتری خواهد داشت و ده‌ها برابر همین مبلغ هزینه‌های ناشی از خشکی دریاچه ارومیه خواهد بود» و البته «ضمن این که حفظ محیط‌زیست یک وظیفه حاکمیتی است.» بودجه فعلی دولت نه فقط برای دریاچه ارومیه که برای بسیاری از تالاب‌های خشکیده و نیازمند ایران، این‌طور که رئیس سازمان حفاظت محیط‌زیست اعلام کرده است، کافی نیست و گرفتن وام شاید بتواند آنها را هم نجات دهد.

پذیرش
آگهی‌های روزنامه شهروند
۴۴۹۵۶۲۰۰ - ۲
www.shahrvand.agahiha@gmail.com

آگهی مفقودی

برگ سبز و کارت ماشین خودروی سواری پراید به رنگ سفید به شماره پلاک ۷۹ایران۵۳۶ط۴۳ مدل ۹۵ به شماره موتور M۱۳۵۶۸۴۲۷۰ و شماره شاسی NAS۴۱۱۱۰۰G۱۲۴۷۶۰۴ مفقود گردیده واز درجه اعتبار ساقط می باشد .